

### بازهم درباب

## مبارزه ضد امپریالیستی هیئت حاکمه

در رهائی شماره ۸۲ در مطلبی تحت عنوان "نادباش بد" اسد مستعفی آلمان به کوششهای محمود احمدزاده وزیر صنایع و معادن در آلمان برای صدور انقلاب اسلامی و کمک به مستعفیین آلمانی (در این مورد کارگزاران صنایع فولادسازی کروب آلمان) اشاره کردیم و نشان دادیم که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی با جدو قاحت بی ماسدی سعی دارند جبهه ضد کارگری خود را در زیر بوشی از تبلیغات و ظاهریهای عوامفریبانه بسوزانند.

آقای احمدزاده در ادامه‌ی اقدامش در آلمان، هم حسن مصالحه‌ی با مجله‌ی المانی اشیکل انجام داده که در شماره‌ی ۲۶ سال ۱۹۸۱ این مجله بجای رسیده است. اشاره به نکاتی از این مصالحه و درافسانی‌های وزیرای مکنسی می‌تواند گوشه‌ای از این برده‌ی عوامفریبی را کنار زند. و بخصوص نشان دهد که چگونه آقایان مکنسی وقتی روی سخن با "امت مستعفی" ایران دارند در نفس دهنش خونس امپریالیسم ظاهر میشوند و وقتی بی‌گای گفتگو با یک خبرنگار غربی می‌نشینند، سبزه اکبر خبرنگار وابسته به حلقه‌ی ناسد که یکی از سخنگویان مهم سرمایه‌داری است، در نقش یک دوست دلسوز ظاهر شده و اجباراً برای جلب رضایت او سخن رازهای نهفته را آشکار می‌سازند.

احمدزاده در طی این مصالحه از جمله اظهار می‌کند:

"ما بلافاصله بعد از انقلاب اعلام کردیم که ما تمام بدهی‌های خود (به کمیانیهای خارجی) را، تا آن حدی که عادلانه باشد بپردازیم. دست‌برداریم کرده‌ایم که در مورد چند کمیانی بوجود آمده با ما، دلیل بوده که می‌توانست در ابتدا در مورد ادعا‌های آنها تحقیقاتی انجام گیرد."

این موضوع البته بازگویی ندارد. سارسی که دولت آقای رجایی بر سر مسأله‌ی کروکاتیها با سلطان بزرگ انجام داد و بذل و بخششهای دهها میلیارد تومانی از کیسه‌ی زحمتکشان رجر کشیده‌ی ایران به کمیانیهای امپریالیستی ادامه‌ی همان موضعی است که سردمداران رژیم از ابتدای غصب قدرت اعلام کرده‌اند. موضع دفاع از منافع کمیانیهای امپریالیستی و ضدیت با منافع زحمتکشان ایران. در اینجا آقای احمدزاده صرفاً بر روی این موضع دوستانه بار دیگر تاکید میکند تا هر گونه شک و شبه‌ای را که احتمالاً هنوز در بین ناباوران ترس سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی وجود دارد برزاید.

احمدزاده سپس در پاسخ به سئوالی در مورد سرسوزن زیر دریایی‌هایی که توسط رژیم سرنگون شده‌ی ناه به کمیانی آلمانی "هوالدن ورکه-دویچه ورفنت آرک" سفارش داده شده بود می‌گوید:

"...قرارداد این معامله هنوز فسخ نشده و بحسب در اطراف آن با کمیانی مربوطه ادامه دارد..."

اما خبرنگار مجله‌ی اشیکل به این جواب هم راضی نشده و بر روی عدم غلافی سرمایه‌داران آلمانی برای سرمایه‌گذاری در ایران بدلیل وجود ناروشنیهایی در رفتار رژیم ایران با آنها با فشاری میکند. آقای احمدزاده که به‌چوچه قصد ندارد دوستان را برجانده می‌گوید:

"من هیچ قراردادی را که با جمهوری اسلامی منعقد شده‌ام منسوخ کرده‌ام یا اجرائه نشده‌ام. آنچه که مربوط به قراردادهای قدیمی است، کمیانیهای طرف قرارداد با بدخون‌حال باشند که ایران بعنوان کشوری که در آن انقلاب صورت گرفته (برخلاف رژیمهای انقلابی) حاضر است با آنها دربارهی خواسته‌هایشان گفتگو کند..."

آقای احمدزاده خوب تفاوتها را می‌شناسد. او حتی میدانند که تاکنون هیچ کشوری که در آن انقلابی

صورت گرفته و رژیم واقعی انقلابی بر سرکار آمده باشد با این کشاده‌دستی منافع زحمتکشان را به جیب امپریالیستها خالی نکرده است. او میخواهد با زبان بی زبانی به دوستان حالی کند که مختصر سخنم بر این است هم که وجود دارد برای حفظ ظاهر است. برای اینست که توهم نوده‌ها نسبت به رژیم مدت طولانی نری ادامه باید و او نیز به‌مراه سایر همبالیکی‌ها بشنوند با استفاده از این توهم بیشتر به خدمات مادانه‌اش به سرمایه‌داران ادامه دهد. او برای دادن اطمینان بیشتر حتی ناچار میشود برده‌ای از عوامفریبی‌های رژیم را افشاء کند. در قسمت آخر مصالحه در پاسخ به کله‌ی خبرنگار در مورد ملی کردن کمیانیهای دارای سازی آلمانی در ایران مانند "هوخست"، "تایروسزکوزن" و... وزیر مکنسی می‌گوید:

"سرمایه‌های آنها صادر شده‌اند. ما فقط بجای مدیریت آلمانی، مدیران ایرانی برای آنها گذاشته‌ایم!!"

می‌بینید که تشخیص درجه‌ی وقاحت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در بی‌برده‌ی عوامفریبانه‌ی "ضد امپریالیستی" شان کاری آسان نیست!!

### برای شناخت...

بعثت سوریه یک گام بیشتر بر آن و بعث عراق و حکومت الجزایر هم در در حقا: این حرکات همه، نشانه‌های این گذار را نشان میدهند.

این خط سیر همانطور که گفته شد خط سیر محتوم گام-ملترس انواع سرمایه‌داری دولتی پس از صعود خرده‌بور-زواری به دایره‌ی قدرت است. و باید گفت این مسیر در ایران بر فرض خروج رژیم از بحران کنونی به‌همین حد هم

کامل نیست. و در ترکیب هیئت حاکمه‌ی ایران - و نیز در حزب جمهوری اسلامی - گرایش‌های قدرتمند ضد سرمایه‌داری دولتی و بی‌نفع سرمایه‌داری خصوصی وجود دارد که اولاً نخواهد گذاشت سرمایه‌داری دولتی نوع ناصری مستقر شود و بر فرض برقراری سرمایه‌داری دولتی نیم بند حرکت آن بخلاف سرمایه‌داری خصوصی بسیار سریعتر خواهد بود. سرمایه‌داری دولتی، حداکثر دولتی کردن سرمایه‌های بخش "لیبرال" کنونی را هدف خواهد گرفت و نه کل سرمایه‌داری را. و تازه آنقدر از سرمایه "لیبرالیها" را

دولتی خواهد کرد که انواع و اقسام کلاه‌های شرعی و دغل‌باریهای رایج نتوانند آنها را به کیسه‌ی سرمایه‌داران خصوصی وابسته به رژیم ریخته باشد.

حرکت قوی همانطور که گفته شد چشم انداز آینده بر فرض خروج رژیم از بحران کنونی است که البته مسئله‌ی بازی است و بحث آن مربوط به این مقاله نیست معضله‌ی صوری است که این چشم انداز برای بحث بی‌ارمون مسی سیاسی سازمانهای جنب‌منشخص نبود. بدانسم که جنگ ما صرفاً جنگ با گرایش فاشیستی نیست. بدانسم که فاشیسم که چهره‌ای از سرمایه‌داری است و اگر چنانکه امروز همه با این نتیجه رسیده‌اند که شعار "هر دو جناح حاکم دشمن زحمتکشند، حامی سرمایه‌دار" درست بوده است، بنابراین باید منی خود را طوری تنظیم کنند که باز با مدنیهای مدید خرسواری یک بخش از بورژوازی در مقابل بخش دیگر نشوند، و برای این امر نیز نمی‌توان با انتظار وقوع حادثه‌نشدت و بعد تعیین منی کرد. باید بدلیهای آینده را مدنظر داشت و برنامه‌ی سیاسی را چنان تنظیم کرد که سردرگمی‌های اقتدار گذشته تکرار نشود. اشتقاقها، جنبه ساز-بیها، و اتحاد عمیقاً باید بر مبنای چشم انداز روشن از مسیر حرکت اجتماعی تنظیم شود و نه بر مبنای ذهنی گراشی‌های بوبولیستی.

آیا چنانچه ایران و سازمانهای آن از چشم اندازهای محتمل آینده تحلیل ثنوریک کرده‌اند و یا اینکه باز میخواهند روزمره حرکت کنند و بغول بیکار چون دشمن روزش زیاد شده ضرورت اتحاد تحمل بیشتر شده است. منافعی مدنظر می‌شوند هنوز حرکات ما را بزرگمانیسم معین میکنند و نه تحلیل ثنوریک.